****

[فرعان 2](#_Toc488172779)

[فرع اول: حکم کثیر الشک و وسواسی در اشواط سعی 2](#_Toc488172780)

[نکته 4](#_Toc488172781)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

روایتی است که ممکن است از آن استفاده شود در فریضه الله، شک داخل نمی شود و آن صحیحه زرارة است: وَ عَنْهُ وَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: عَشْرُ رَكَعَاتٍ رَكْعَتَانِ مِنَ الظُّهْرِ وَ رَكْعَتَانِ مِنَ الْعَصْرِ- وَ رَكْعَتَا الصُّبْحِ وَ رَكْعَتَا الْمَغْرِبِ- وَ رَكْعَتَا الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ لَا يَجُوزُ الْوَهْمُ فِيهِنَّ- مَنْ وَهَمَ فِي شَيْ‌ءٍ مِنْهُنَّ اسْتَقْبَلَ الصَّلَاةَ اسْتِقْبَالًا- وَ هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي الْقُرْآنِ وَ فَوَّضَ إِلَى مُحَمَّدٍ ص- فَزَادَ النَّبِيُّ ص فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ- هِيَ سُنَّةٌ لَيْسَ فِيهِنَّ قِرَاءَةٌ- إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ دُعَاءٌ- فَالْوَهْمُ إِنَّمَا يَكُونُ فِيهِنَّ- فَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي صَلَاةِ الْمُقِيمِ غَيْرِ الْمُسَافِرِ- رَكْعَتَيْنِ فِي الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ- وَ رَكْعَةً فِي الْمَغْرِبِ لِلْمُقِيمِ وَ الْمُسَافِرِ.[[1]](#footnote-1)

به این تقریب که در این روایت فاء تفریع آمده و فرموده چون رکعت و سوم چهارم نماز، سنت النبی است و فریضه الهی نیست، پس شک در آن راه پیدا می کند و شک در عدد سنن النبی مبطل نماز نیست و قاعده عامه ای را می فهماند که در فریضه، شک مبطل است.

به نظر ما گرچه این روایت اشعار به مطلب دارد، اما با دو بیان ظهور آن قابل مناقشه است:

بیان اول

فاء در عبارت « فَالْوَهْمُ إِنَّمَا يَكُونُ فِيهِنَّ» معلوم نیست فاء تفریع باشد که ما قبل، علت ما بعد باشد، زیرا فاء برای ترتیب ذکری هم می آید، مثل و نادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی. این روایت نیز می تواند به این معنا باشد که شک در ده رکعت در نماز راه ندارد و این ها فریضة الله در نماز است، هفت رکعت سنت النبی است در این ها قرائت حمد نیست پس در این ها شک راه دارد و مبطل نیست.

این «پس» ظهور ندارد در این که چون سنت است و نه فریضه، شک در آن داخل می شود، بلکه شاید بیان احکام به شکل ترتیب ذکری بوده و نتیجه گیری از بحث گذشته باشد.

بیان دوم

اگر هم تفریع باشد، شاید مدلولش این باشد که دو رکعت اول، فریضة الله در نماز هستند، و دو رکعت آخر سنة النبی در نماز هستند، و این علت شده برای این که در دو رکعت اول شک مبطل باشد، بر خلاف دو رکعت دیگر، نه این که مطلق فریضه بودن علت باشد، بلکه شاید فریضه بودن در نماز، علت برای مبطل بودن شک در آن باشد.

## فرعان

### فرع اول: حکم کثیر الشک و وسواسی در اشواط سعی

محقق خوئی فرموده: وسواسی اعتناء به شک خود نکند، اما کثیر الشک به شک اعتناء کند، زیرا وسواسی نه در سیره عقلائیه به شک او اعتناء می شود و نه در روایات: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ- وَ قُلْتُ هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ- فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ أَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ- فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ- فَقَالَ سَلْهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَيِّ شَيْ‌ءٍ هُوَ- فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ.[[2]](#footnote-2)

البته ما مثل مشهور نمی گوییم عمل به وسوسه، چون اطاعت شیطان است، حرام می باشد، زیرا اشتغال به مکروهات و لغویات و لهویات غیر حرام نیز اطاعت شیطان است، اما حرام نیست، بلکه اطاعت شیطان عنوان مشیر و ارشادی است، حکم نفسی ندارد که اگر گناه کنم، هر بر گناه و هم بر اطاعت شیطان عقاب شوم، لذا ما دلیل بر حرمت وسوسه نداریم، اما فهمیده می شود که چون اطاعت شیطان است، نباید به آن اعتناء کند.

اما محقق خوئی فرموده: کثیر الشک اطاعت از شیطان نمی کند، فقط شک او عقلائی نیست و لذا در اصل نماز و وضو اگر کثیر الشک باشد، باید به شکش اعتناء کند.

به نظر ما وفاقا للسید السیستانی، کثیر الشک هم نباید به شک خود اعتناء کند، صحیحه محمد بن مسلم: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهْوُ فَامْضِ عَلَى صَلَاتِكَ- فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَدَعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ.[[3]](#footnote-3)

سهو در روایات به معنای فراموشی است که انسان را دچار شک می کند و ظاهرش این است که کثرت شک از شیطان است و وقتی چنین است، شارع نمی گوید به کثرت شک اعتناء کن، با این که از شیطان است.

کسی که در هر سه نماز، یک شک بکند، کثیر الشک محسوب می شود و ظاهر عرفی حکم به اعتناء نکردن به شک در این است که بناء را در سعی بر اکثر بگذارد، مگر این که اکثر مبطل باشد که باید بر اقل بناء بگذارد.

مرحوم آیت الله تبریزی می فرمود: ما از نماز به طواف و وضو تعدی می کنیم، نه سعی، زیرا از روایات استفاده می شود آن چه به نماز ملحق است چنین حکمی دارد و طواف و وضو چنین است.

به نظر ما یا قاعده عامه استفاده می کنیم بر عدم اعتناء به شک کثیر الشک کما هو المختار، فبها، و گرنه ادله عدم اعتناء به شک کثیر الشک، مختص به نماز است و الطواف بالبیت صلاة نیز نبوی عامی و غیر معتبر است و این که در روایت صحیحه درباره طواف فرموده: فان فیه صلاة، ظهور ندارد در این که طواف فریضه احکام نماز را دارد، بلکه می فرماید چون طواف فریضه مشتمل بر نماز است، شارع فرموده در طواف فریضه هم باید وضو بگیری و نفرموده فانه صلاة بلکه فرموده فان فیه صلاة.

#### نکته

برخی افراد در بعضی مواقع شرایط روحی بدی پیدا کرده اند که دیگر حواسشان پرت است و لذا زیاد شک می کنند، و این شک ناشی از اغتشاش ذهن است، نسبت به این شخص نمی توان گفت نباید به شکش اعتناء کند، زیرا این که از شیطان نیست تا از صحیحه محمد بن مسلم لزوم عدم اعتناء به شک این چنینی را استفاده کنیم.

آیت الله سیستانی نیز در فتاوای خود به این نکته اشاره نموده اند.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص49، أبواب عدد الفرائض الیومیة ...، باب13، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/49/للمقیم) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج1، ص63، أبواب عدم جواز الوسوسة فی النیة...، باب10، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/1/63/یطیع) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص228، أبواب عدم وجوب الاحتیاط علی من کثر سهوه..، باب16، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/228/یوشک) [↑](#footnote-ref-3)